

آیا جداسازی، این مشکل را حل می‌کند؟

هرگونه توصیه‌ای از بیرون تنها به تحریک عصبانیت شهروندان منجر می‌شود. چرا که آنان گمان می‌کنند که صلاحیت تنظیم مناسبات شخصی خود را هم ندارند و این کار را دخالت در حوزه شخصی خود می‌دانند.

جداسازی در محیط فرهنگی و آموزشی از همین رو ناشی از فقر نگاه جامعه‌شناسانه و آسیب‌شناسانه به توصیه‌های فراگیر اخلاقی برای همه شهروندان است.

۳- رئیس سازمان ملی جوانان در مصاحبه‌ای سیاست جداسازی دانشجویان را امری «مسخره» می‌نامد. امری که نشان می‌دهد این سیاست چقدر به لحاظ علمی بدون پشتوانه و بی‌تأثیری و بلکه مخرب است.

۴- نمی‌توان با اعمال سیاست‌ها و تدبیرهایی که در درون یک اتاق و توسط یکی دو کارشناس که معلوم هم نیست از چه سواد و بینشی برخوردار هستند، برای همه مردم تصمیم گرفت. این کار موجب نارضایتی می‌شود. نارضایتی هم سبب می‌شود که دیگر به توصیه‌های دیگر کارشناسان حکومتی توجه نکنند و این برای دغدغه‌مندان و... اصلاً جالب نخواهد بود. ۵- اعلام جدید سیاست‌های جداسازی از همین روی احترامی به شهروندانی است که حق انتخاب و عقل و شعور تنظیم مناسبات خود را دارند. این که حکومت بخواهد در خصوصی‌ترین بخش‌های مناسبات اجتماعی بخشنامه صادر کند، نه به صلاح است و نه اینکه کارایی خواهد داشت. فقط مناسبات زیرزمینی را گسترش خواهد داد که اصلاً هم تحت کنترل نمی‌تواند در آید.

۶- عده‌ای می‌گویند: مشکل جوانان ایران امروز جداسازی محیط‌های آموزشی و... نیست، فقط عده‌ای به این وسیله می‌خواهند توجه مردم را از مسائل اصلی جامعه منحرف کنند. حداقل برای جلوگیری از چنین تلقی‌هایی هم که شده بهتر است جلوی این کار شتابزده گرفته شود و با آبروی نظام کارشناسی کشور بازی نشود. چرا که در این کشور

بسیاری از دستگاه‌ها دارای نظرات کاربردی تری هستند... ۷- به این ماجرا از زوایای متعددی می‌توان پرداخت. ولی از آنجا که اکثر زوایا دارای ضعف کارشناسی و توجیه عقلانی و منطقی است تنها به شائبه‌های دیگر دامن می‌زند. دوستانی که به این کار مبادرت می‌ورزند بهتر است به تبعات چنین تلقی‌ای بیشتر فکر کنند.

امید ریخته‌گر

پراکندگی طبقات مختلف اجتماعی همه و همه در سال‌های اخیر نه تنها کمکی به کاهش این نگرانی‌ها نکرده‌اند، بلکه چنان مثل، عاقل و سنگ و چاه، باعث «آن شده‌اند که جامعه در یک ولع و عطش جنسی قرار بگیرد» (یکی از مسؤولان سازمان ملی جوانان، بنیان، فروردین ۸۱)

نتیجه این ولع، فعال شدن خواست‌های خارج از قاعده برخی شهروندان و پرداخت هزینه‌های گزاف دیگر است. در واقع آنچه از این سخن بر می‌آید آن است که سیاست‌های مهار نیروی جنسی که مبتنی بر مکانیسم جداسازی است تنها اثر



عکس دارد. بنابراین جای تعجب است که یک سیاست در عمل با شکست مواجه می‌شود ولی اصرار به انجام آن می‌ورزد. ۲- ایجاد و وجود ارتباط فرهنگی و آموزشی سالم‌ترین و البته لازم‌ترین نیاز جوانان است که می‌تواند در محیط‌های فوق به ایجاد ثمرات مثبتی نیز بینجامد. در ضمن هرگونه ارتباطی در این محیط‌ها تعریف مشخصی دارد که افراد و گروه‌های حاضر در آن به هنجارهایش تن در می‌دهند. بنابراین

چه در پارک و چه در کوه و بیابان و...

آنچه صاحبان این نگرانی را به جداسازی تشویق می‌کند وضعیت موجود جوانان در چگونگی مواجهه با مسائل زیستی‌شان است و آمارهایی که در رابطه با فساد جنسی در گوشه گوشه شهر به گوش می‌رسد و باقی قضایا! اما آیا جداسازی می‌تواند این مشکل را حل کند؟

کسانی که در سال‌های گذشته سیاست‌های اجتماعی مرتبط با این موضوع را دنبال می‌کنند معتقدند که تنها با نگران بودن و دغدغه داشتن نمی‌توان به حل مسائل اجتماعی اقدام کرد. نگرانی

اینجا تهران، چهارراه پارک وی، آموزشگاه زبان‌های خارجی... ساعت ۱۳ در حالی که دانشجویان زبان انگلیسی - که غالب آنان را افراد بالای ۱۸ و ۲۰ سال تشکیل می‌دهند - آماده رفتن به کلاس‌های درس می‌شوند، یکی از مسؤولان، در حال صحبت کردن با مردی است که به نظر می‌رسد پیام آور چندان خوش‌خبری نباشد.

وقتی دانشجویان به کلاس درس می‌آیند معلم کلاس که جوانی تحصیلکرده و دانشجوی دکتری زبان انگلیسی است وارد کلاس می‌شود و به دانشجویان اعلام می‌کند طبق اعلام اداره اماکن، از این به بعد کلاس‌های خانم‌ها و آقایان جدا از هم تشکیل خواهد شد. یکی از دانشجویان می‌پرسد: «که چه بشود؟» معلم پاسخ می‌دهد: خدا می‌داند.

معلم اعلام کرد که از ۴۸ ساعت بعد کلاس خانم‌ها و آقایان جدا خواهد بود و چون تعداد پسرها و دخترها در کلاس‌ها یک اندازه و مساوی نیست، بعضی از کلاس‌ها تا ترم بعدی منحل خواهد شد. یکی می‌پرسد: «مگر قرار است ما در کلاس چکار کنیم که...؟» او جوان‌ترین عضو کلاس است. اما دیگری که خانمی خانه‌دار است می‌گوید: «دل‌م برای جوان‌هایمان می‌سوزد. با این همه بی‌اعتمادی...»

و کلاس‌های زبان که غالب افراد شرکت‌کننده در آن افراد بالای ۱۸ سال، با شعور انتخاب و آگاهی‌های فردی و اجتماعی هستند، مردانه و زنانه خواهند شد، تا برخی نگرانی‌ها کاهش یابد. اما آیا مشکلی حل خواهد شد؟

البته به کسی گفته نشد که چرا؟ فقط گفتند دستور است. یکی از دانشجویان کلاس‌های زبان می‌گوید: «بالاخره هر دستوری باید یک منطقی داشته باشد منطقی که بشود ضرورتش را فهمید. این چه منطقی است که از آن فقط توهمین نصیب ما می‌شود.»

...بسیاری دیگر از دانشجویان و... هم زیر لب یا بلند چیزهایی گفتند. اما... آن چیزی که دستور است دستور است. موضوع می‌تواند سناریوهای متعددی داشته باشد:

۱- جداسازی دختران و پسران در کلاس‌های آموزشی ناشی از یک نگرانی است. نگرانی که معطوف به احتمال ارتباط غیر اخلاقی میان آنان می‌شود و آنان را به آلودگی می‌کشاند. پس برای سالم ماندن جامعه باید چه کار کرد؟ باید جلوی آنان را در برقراری ارتباط گرفت چه در خیابان، چه در کلاس درس

و دغدغه بدون پشتوانه مطالعات علمی و کارشناسی سراز ناکجاآباد در می‌آورد و نتایج مقبولی به همراه نمی‌آورد. در واقع آنچه که مهم است بیش از نگرانی، توان حل مشکلات از طریق روش‌های آزموده شده است که در آن تعصب و خامی جایی ندارد. جداسازی، عدم اطلاع‌رسانی از امکان کسب آگاهی‌های لازم در خصوص مناسبات اجتماعی انسانی و نه جنسیتی، برخوردهای جزمی و بدون توجه به نوع علایق و تنوع و